

نگاه هم‌میهن

## منازعهٔ ایران و آمریکا در آغاز راهی تازه



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

در پی حمله‌شبهنظامیان عراقی به پایگاه کوچک ارتش آمریکا در خاک اردن، اعضای حزب جمهوریخواه آمریکا، جو‌بایدن، رئیس جمهور این کشور برای «انتقام‌گیری از ایران» تحت فشار گذاشته‌اند. حملهٔ پهبادی «مقاومت اسلامی عراق» به پایگاه آمریکایی در اردن، ۳ کشته و بیش از ۳۰ زخمی به جا گذاشته است. از آغاز جنگ غزه تاکنون این نخستین بار است که سربازان آمریکایی بر اثر حملات گروه‌های عراقی کشته‌شده‌اند.

جو‌بایدن، رئیس جمهور آمریکا، با گسترش جنگ در خاورمیانه از جمله روبرایی نظامی با جمهوری اسلامی مخالف است اما او با تأکید بر اینکه «نیروهای متحد ایران» مسئول حمله به پایگاه آمریکایی در اردن هستند، وعدهٔ پاسخگویی داده است.

در طول چهار ماه گذشته، گروه‌های شبه‌نظامی عراق بارها محل استقرار نظامیان آمریکایی در سوریه و عراق را هدف حملات موشکی یا پهبادی خود قرار داده‌اند و آمریکانیز در مقابل، بر برخی پایگاه‌های آنان را منهدم کرده است. این بار اما ماجرا نسبت به گذشته دو تفاوت عمده دارد. نخست اینکه ارتش آمریکا بر اثر حمله دچار تلفات انسانی شده و دوم اینکه حمله به داخل خاک اردن صورت گرفته است.

اگر دولت بایدن بخواهد به سنت چند ماه گذشته واکنش نشان دهد، قاعدتا باید به پایگاه‌های «مقاومت اسلامی عراق» حمله کند، اما به نظر می‌رسد که بایدن با اسم بردن از جمهوری اسلامی به‌عنوان حامی شبه‌نظامیان عراقی مسئول حمله به پایگاه آمریکا در اردن، این بار پاسخ متفاوتی را در نظر دارد.

در بخش وسیعی از خاورمیانه، گروه‌های همسو و متحد جمهوری اسلامی فعالیت‌نظامی و سیاسی دارند. این گروه‌ها از سوی کشورهای غربی به‌عنوان «نیروهای نیابتی» ایران معرفی می‌شوند اما جمهوری اسلامی اصرار دارد که آنان به‌طور مستقل و بنا به تشخیص و مصالح خوددست به اقدام می‌زنند و تهران فرمان نمی‌گیرند.

با این حال، دولت‌ها و تحلیل‌گران غربی، ضمن تأکید بر سطحی از استقلال رأی برای برخی از این گروه‌ها، فعالیت آنان را بی‌ارتباط با سیاست جمهوری اسلامی و فارغ از مشورت با آن نمی‌دانند. بر همین مبنا، به‌خصوص اسرائیل و برخی از همبران حزب جمهوریخواه آمریکا بر این نکته تأکید می‌کنند که حملات گروه‌های متحد ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن به اهداف غربی، باید در داخل خاک ایران پاسخ داده شود تا اثر بازدارنده پیدا کند.

از نظر این محافل، استراتژی جمهوری اسلامی وارد آوردن ضربه به اهداف غرب و متحدان آن، از طریق «نیروهای نیابتی» و دور نگه داشتن خود از وسط معرکه است تا بدین وسیله، کمترین هزینه را از این رویارویی غیرمستقیم، متحمل شود. از این رو، آنان ضربهٔ مستقیم را ابزار کارآمدتری برای بازدارندگی نظامی در مقابل جمهوری اسلامی تلقی و آن را تجویز می‌کنند.

دولت جو‌بایدن تاکنون از تسلیم‌شدن در برابر این تلقی، خودداری کرده است، اما فشارها علیه آن رو به افزایش است به‌خصوص اینکه عملیات شبه‌نظامیان عراقی هم تلفات جانی به جا گذاشته و هم به خاک اردن سرایت کرده است.

از این رو، احتمال اینکه بایدن دستور حملاتی مستقیم علیه اهداف ایرانی را صادر کند، قابل نایدنه گرفتن نیست اما در صورت اتخاذ چنین تصمیمی بعید است خاک ایران مورد حمله قرار گیرد. به احتمال بیشتر، ارتش آمریکا محل استقرار نیروهای ایرانی در برخی کشورهای دیگر را منظر نظر خود دارد.

ظاهراً از نگاه مقام‌های آمریکایی، چنین حمله‌ای از احتمال بر خوردر شدید و مستقیم دو کشور می‌کاهد، اما در عین حال برای کنترل شبه‌نظامیان عراقی به اندازهٔ لازم هشدارآمیز است.

این در حالی است که سیاست‌رسمی جمهوری اسلامی عدم‌ورود به جنگ جاری در نوارغزه و درگیری‌های پیرامون آن است. با این حال، مقام‌های وزارت خارجه بارها اعلام کرده‌اند که در صورت ادامهٔ جنگ اسرائیل در نوارغزه، فراگیر شدن جنگ «اجتناب‌ناپذیر» خواهد شد. از قضا، آمریکا به‌همراه شرکایش در منطقه، سخت‌درگیر پیشبردایتکاری برای اعلام آتش بس در نوارغزه است. ابتکار مورد نظر آمریکا و شرکایش اگر با موفقیت همراه شود، در واقع بیش از جنگ جاری در نوارغزه برای استراتژی جمهوری اسلامی در خاورمیانه تهدیدآمیز است.

به‌عبارت دیگر ابتکار سیاسی آمریکا و متحدانش عمدتاً حاوی مؤلفه‌هایی است که استراتژی جمهوری اسلامی بر نفی کامل آنها بنا نهاده شده است. این مؤلفه‌ها شامل راه‌حل دوکسوری برای مسئله فلسطین، عادی‌سازی روابط کشورهای عرب و اسلامی با اسرائیل به رهبری عربستان سعودی و سیطرهٔ اداری دولت خودگردان فلسطین بر نوارغزه است.

بدین ترتیب، جنگ جاری در نوارغزه مرکز ثقل تقابل جمهوری اسلامی و آمریکانست، بلکه‌نظم‌پساجنگ محور اصلی منازعه است. جمهوری اسلامی امیدوار است که جنگ در نوارغزه سمت و سویی مغایر اهداف آمریکا و شرکایش پیدا کند و سپس از اعلام آتش بس، حاکمیت حماس در این منطقه تثبیت و این نیز به نوبهٔ خود موجب ارتقای موقعیت عموم «گروه‌های مقاومت» در منطقه شود.

با این حساب، محل جالش و نزاع دو طرف، معطوف به سازوکاری است که به جنگ غزه پایان خواهد داد. از این زاویه، منازعهٔ ایران با آمریکا و شرکایش می‌تواند در آغاز راهی تازه باشد. اینکه این منازعه چه سرانجامی پیدا می‌کند بستگی به این دارد که آیا دو طرف به هر قیمتی خواهان استقرار نظم‌موردنظرشان در منطقه‌اند یا اینکه راهی برای نوعی تعامل به قصد کاهش و کنترل تنش‌های پیش‌رو پیدا خواهند کرد.

### نگاه روزنامه‌نگار

## محاكمه روحانی؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

چند روز قبل حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، برای نامزدی انتخابات خبرگان رهبری رده‌صلاحیت شد. البته روحانی تنها رده‌صلاحیت‌شده جنجالی نبود و شخصی مثل مصطفی پورمحمدی با آن سابقه وزارت و قضاوت و فعالیت اطلاعاتی - امنیتی هم نتوانست برای این انتخابات از فیلتر شورای نگهبان عبور کند؛ اما به‌طور طبیعی، رده‌صلاحیت حسن روحانی بیش از دیگران به چشم آمد. رد کردن چهره‌های شاخص سیاسی از یک سو این مسئله راه‌به‌ذهن مخاطب می‌آورد که اگر این اشخاص صلاحیت ندارند، چرا در تمام این سال‌ها مدیران تراز اول کشور بوده‌اند. دلیل این رده‌صلاحیت‌ها چیست که نه با مردم در میان گذاشته می‌شود و نه با آن شخص برخوردی می‌شود. شخصی ممکن است امروز فاقد صلاحیت تشخیص داده شود، اما در یک نوبت انتخاباتی دیگر، صالح شناخته شود یا مسئولیت‌های دیگری که از اَمّا فاقد اهمیت‌نیستند را برعهده بگیرد. حسن روحانی هم از این‌گویی که ترسیم‌شد، خارج نیست.

در این میان، برخی حامیان جریان حاکم در مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌هایی که در مقام توجیه رده‌صلاحیت روحانی داشته‌اند، از ضرورت محاکمه او گفته‌اند. مسئله محاکمه روحانی، البته مسئله جدیدی نیست. هر چند وقت یک‌بار عده‌ای آن را مطرح می‌کنند. البته مشخص نیست که حسن روحانی را باید به خاطر چه محاکمه کرد. به‌خاطر نحوه گران کردن بنزین در سال ۹۸؟ یا به خاطر انعقاد برجام؟ به خاطر فروش طلاهای بانک مرکزی؟ یا به خاطر فروختن بورس؟ یا اجرای سند ۲۰۲۰؟ و با اختلاف‌نظر با رهبری در برخی حوزه‌های اداره کشور؟ هر بار که اتفاقی می‌افتد و بحث محاکمه روحانی مطرح می‌شود، هر کسی از آن جهت که می‌خواهد و آن را ضربه‌پذیرتر می‌داند این علم را بلند می‌کند. آیا حسن روحانی ترک فعل کرده است؟ مصادیق آن چیست؟ آنچه تندروها در این دوسال و چند ماه از پایان دولت‌دوم روحانی انجام داده‌اند، تهدیدهای مجازی و حقیقی و کلی‌گویی‌های سیاسی بوده که کارکرد آن نیز روشن است. بعضی در این میدان، پارافراتر می‌گذارندومی‌گویندمحمدجوادظریف‌نیز بایدمحاکمه‌شود.

روحانی خوب یا بد، از ابتدای انقلاب در این ساختار مسئولیت داشته و هشت سال نیز بالاترین مقام اجرایی کشور بوده است. اگر او متخلف و ترک فعل داشته، منطقی‌آید به دادگاه سپرده شود. چراکه سال‌ها در قدرت بوده و اگر این روایت درست باشد، خسارت‌های فراوانی به بار آورده و باید

## تیتریک

HEADLINE ONE

## بررسی روند قیمت ارز، سکه و طلا

# نوسانی که تداوم دارد

**گروه خبر:** باردیگر شاهد افزایش نرخ ارز، سکه و طلا هستیم و همانند سنوات گذشته واکنش مردم به رشد قیمت‌ها در بازارهای مالی افزایش تقاضا است. البته مسئولان امر معتقدند که روند صعودی ارز و اثرگذاری آن بر بازار سکه و طلا کوتاه‌مدت و زودگذر است و حتی رئیس کل بانک مرکزی به مردم توصیه کرده است: «برای جلوگیری از ضرر و زیان وارد این بازار نشوند». این در حالی است که همچنان افزایش نرخ ارز ادامه دارد و مهم‌تر اینکه به دلیل کاهش اعتماد مردم به وعده‌های مسئولان، تقاضا برای خرید ارز رو به افزایش است. هر چند مسئولان امر معتقدند که عرضه بیش از تقاضا است و مازاد عرضه وجود دارد اما جهش قیمت‌ها بیابنگر حکایت دیگری است.

چندمدتی است با افزایش تنش‌های منطقه فتر جمع‌شده نرخ ارز در بازار آزاد، به آرامی در حال آزاد شدن است و موجب شده تا نرخ دلار افزایش یابد و حتی به کانال ۵۶ هزار تومانی وارد شود. دولت سیزدهم در چندماه اخیر تلاش‌های بسیاری برای بازگرداندن نرخ دلار به کانال ۴۹ هزار تومانی داشت اما بعد از حادثه هفتم اکتبر و حمله حماس به اسرائیل نرخ دلار وارد کانال ۵۰ هزار تومان شد؛ هرچند در آن مقطع زمانی سیاست‌های دولت که از دید کارشناسان ارزی، نوعی ارزیابی است، موجب شد تا دلار در نهایت در کانال ۵۲ هزار تومان متوقف شود. اما این روزها دولت در کنترل افزایش نرخ ارز، ناتوان بوده و این رویه موجب شده است تا ارزش دلار افزایش یابد و اثرگذاری آن را در سایر بازارهای مالی همچون سکه و طلا نیز شاهد باشیم. به‌طوری‌که قیمت سکه به بیش از ۲۳ میلیون تومان و ارزش هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان شود. این وضعیت در حالی رخ داده است که فریزن، رئیس کل بانک مرکزی در چهارم بهمن‌ماه در جلسه ماهانه مدیران عامل بانک‌ها، در واکنش به افزایش قیمت ارز، گفته بود: «با اجازه مقام معظم رهبری برای خرید ۲۰ درصد از منابع صندوق توسعه ملی، شاهد افزایش چشمگیری در ذخایر ارزی بانک مرکزی خواهیم بود و سال آینده وضعیت ارزی به مراتب بهتری خواهیم داشت و نوساناتی که در بازار غیررسمی وجود دارد، کوتاه‌مدت و زودگذر است. این افزایش قیمت‌ها هیچانی و فاقد

### نمایندگان مجلس از بودجه ۱۴۰۳ می‌گویند

# اما و اگر درباره تامین منابع مالیاتی



پریسا هاشمی

گزارشگر پارلمانی هم‌میهن

براساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ عمده درآمدهای دولت در سال آینده بر پایه مالیات بودجه‌ریزی شده است؛ موضوعی که موافقان و مخالفان خاص خود را دارد. البته این رویه در بیشتر کشورهای پیشرفته ملاک رفتار دولتمردان است اما در وضعیت کنونی اقتصاد کشور این مهم مطرح است که آیا سیاست دولت برای تکیه بر درآمدهای مالیاتی، تصمیم‌درستی بوده است یا نه و مهم‌تر اینکه آیا این رقم می‌تواند، قابل وصول باشد یا نه؟

با وجود اینکه اقتصاد یک علم است اما در کشور بنیابه دلایلی کمتر به اقتصاد با دیدگاه علمی نگاه می‌شود بنابراین پاسخ دادن به این سوالات توسط نمایندگان مجلس که تصویب‌کننده بودجه هستند و کارشناسان اقتصادی، متفاوت است. این در حالی است که درآمدهای مالیاتی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت‌هاست و افزایش درآمدهای مالیاتی در کشور می‌تواند به کاهش اتکا به درآمدهای نفتی منجر شود.

دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، مبلغ درآمدهای مالیاتی (بدون گمرک) را ۱۱۲۲ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۲، معادل ۴۹/۸درصد رشد داشته است. همچنین سهم عمده درآمدهای مالیاتی به مالیات بر کالا و خدمات (۴۲ درصد از کل درآمدهای مالیاتی) و مالیات بر اشخاص حقوقی (۴۰ درصد از کل درآمدهای مالیاتی) اختصاص دارد.

#### ❖ فرمولی که دولت و مجلس توضیح نمی‌دهند

**محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس** در پاسخ به این پرسش که آیا بودجه‌ریزی دولت برای سال آینده براساس مالیات، تصمیم درستی بود؟ به هم‌میهن گفت: «قرار نیست مالیات بیشتر از نرخ تورم افزایش یابد. مالیات عبارت است از سود اختلاف (درآمد و هزینه) ضربدر ۲۵ درصد می‌شود. وقتی تورم ۵۰ درصد باشد سود هم ۵۰ درصد بیشتر می‌شود و به تبع آن مالیات



## گزارش یک

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

## گزارش دو

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن

نگاه هم‌میهن